

عنوان مقاله:

روش‌شناسی حداقلی بسکار: استدلالی علیه نسبی‌گرایی

محل انتشار:

فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی، دوره 27، شماره 109 (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 14

نویسندگان:

مریم پوست فروش - کارشناسی ارشد فلسفه علم دانشگاه شرف

مصطفی تقوی - عضو هیئت علمی دانشگاه صنعتی شریف، گروه فلسفه علم، تهران، ایران.

خلاصه مقاله:

ارائه معیاری جهان‌شمول و فراتاریخی همواره مورد توجه معقول‌گرایان بوده تا با تکیه بر آن، به ارزیابی نظریه‌ها پرداخته و ملاکی برای تمیز علم از شبه‌علم ارائه دهند. این تلاش که تاکنون نتیجه‌ای در پی نداشته، همواره مورد انتقاد نسبی‌گرایان واقع شده است؛ نسبی‌گرایانی که با انفسی خواندن هرگونه مستمسکی برای ارزیابی و انتخاب نظریه‌های علمی، از جمله مشاهدات، آنها را متأثر از عوامل اجتماعی و قدرت‌های سیاسی می‌دانند. روی بسکار که برخلاف رویکرد معقول‌گرایان، قائل به معیاری آفاقی برای تمیز علم از شبه‌علم نیست، با توصیفی لایه‌مند از طبیعت، شناخت جهان را منوط به کنش هدفمند و خلاقانه با آن می‌داند. او فعالیت علمی را مبتنی بر گمانه‌زنی‌ها و نظریه‌پردازی‌ها در خصوص مکانیسم‌های لایه‌های زیرین و به آزمون گذاشتن آنها در آزمایشگاه دانسته و با رویکرد خاص خود به دفاع از معقولیت علم می‌پردازد. در این مقاله ضمن اشاره به مناقشه معقول‌گرا و نسبی‌گرا و شرح روایت معقول بسکار از فعالیت علمی، استدلال خواهیم کرد که توصیف بسکار از فعالیت علمی، توجه به قوای علی اشیاء و اهتمام ویژه او به آزمایش، کدی روش‌شناختی به نام آزمایش‌گری در دل خود دارد که هم موضعی را علیه نسبی‌گرایی فراهم می‌آورد و هم دفاع از امکان پیشرفت در علم را ممکن می‌کند.

کلمات کلیدی:

معقول‌گرایی، نسبی‌گرایی، بسکار، آزمایش‌گری، روش‌شناسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1429450>

